

این سریال که در سال نخست تحت عنوان "طنز و سیاست" انتشار یافت، اینک در سال دوم نشرات خود بادر نظر داشت اهداف، ماهیت و نیات کاری آن تحت عنوان (طنز و روشنگری) به خوانش گذاشته میشود:

مناظره، کاکه تیغون و کربلایی

بخش یکم

سال دوم

دوشنبه 29 ماه اکتوبر 2007، هوا صاف و حدود 18 درجه حرارت است، هردو دوست بخانهء کاکه تیغون نشسته و جروبحت خود را از سر میگیرند، کاکه تیغون که تلویزیون آقای مسکین یار را دیده و شنیده بود، برای کربلایی تعریف و توصیف میکند، کربلایی هم دیشب تا ناوقت شب آنرا دیده و شنیده بود، لذا هردو در قدم نخست روی همین موضوع (کنفرانس صلح) صحبت میکنند.

کاکه تیغون: والله کربلایی جان همی آقای سیرت هموطو گیای خوب زد که ده دل مه شیشت، یانی گیای راستی ره گفت، که ده جلسه بُن و پسانا ده لویه جرگه اوغانستان، هیچ نماینده های اوغانا نقش نداشتن و همه چیزا از انتخاب رئیس مؤقت دولت اوغانستان گرفته تا تعیین همو کرزی به ریاست جمهوری مربوط خارجیا بود واصلن اوغانا حق دخالتن نداشتن وراسن (راسا) بری شان گفته میشد که باید کرزی رئیس جمهور شوه و شما مجبور استین که بریش رای بتین.

کربلایی: کاکه جان راس میگی، خوب گیای زد و رئیس جلسه هم که آقای سید عبدالله کاظم بود هم گفته هایشه کاملن تأیید کد ویک نفر دِگه آقای وهاب زاده گفت که کنفرانس بُن هم ظالمانه بود و هم ننگین و خوب گیای خوده توزیا م (توضیح هم) داد، آقای داکتر سیرت گفت: که وظیفه اول دولت و مبرم ترین وظیفه آوردن صلح بود، نه ساختن ستره ماکمه (محکمه)، شورا و غیره ارگانا، که مه خودم دهمو جلسه بُن پیشنهاد کده بودم، اما متأسفانه ایطو نشد و باز خونریزی ده سراسر افغانستان صورت گرفت.

کاکه تیغون: کربلایی جان، کتی گیای سخت و شدید خود، جان ازیا (اینها) ده خطر نخات بود؟
کربلایی: کاکه جان او دوتایش خو گفته شده استن (هستند) یانی بری شان گفتن که همی جلسه ره جور کنین، حسن امیری و آقای مسکین یار کم سواد که میگفت برنامه لغت عربیس، مثل او ضل (ضلع) سوم شان که میگه مه یک دانه شعر میخانم، بری شعر دانه نمیگن، قطعه یا پارچه باید گفته شوه، اما خدا خیر دیگایشه بیاره که حال او بیچاره ره ده توپ نتن، خیر ببینیم که پسانا چی گیا میشه، اما همیالی میگم، که ای جلسات هم صلح نمیاره، ای کار بیشتر به یک کمپاین تبلیغاتی بری انتخابات ریاست جمهوری می مانه، تا یک حرکت ملی، چراکه ده مورد اوغانستان پلانای عمیق تر وجود داره و تیم موجود توانایی حل آنرا ندارن، اگه انگلیس و امریکا میخاستن که صلح بیایه ده همو اول همی گیای آقای داکتر سیرت باید قبول میگردن، اول ایکه می ماندن که اعضای جلسه کی ره رئیس جمهور می ساختن، باید دیکتیه نمیگردن، شاید کدام کسی خوبه رئیس می ساختن از جمله مجاهدینی که باد از رفتن شوروی ها از جهاد دست کشیدن و گفتن که دیگه جهاد ختم اس و به مقصد خود رسیده بودن، اما دیدیم که ایطو نشد.

هر دو دوست کربلایی و کاکه تیغون در حدود یک هفته، چون فامیل‌های شان بخاطر رخصتی فرزندان به خانه های دوست و آشنا رفته بودند، در مورد "جلسه صلح" جروب‌بحث داشتند و بالاخره فیصله کردند، تادراین زمینه بعد از جلسه دوم و سوم باهم صحبت کنند. بعد از هفته ایکه گذشت، مطالب ورخداد های دیگری بمیان آمد، که موجب ادامهء مناظره دورفیق قرار گرفت.

کاکه تیغون: کربلایی جان، حالی همی قرآن شریفی ره که غوث زلمی پخش کد، چه بدی داشت که ده شورای ملی سر از ای غالمغال کدن واو و قاری مشتاق ویک نفر دگه ره ممنوع الخروج از اوغانستان ساختن وبادن غوث زلمی ره زندانی هم کدن، غوث زلمی خو خودش سخن گوی لوی سارنوال، رئیس اتحادیه ژورنالستا، آدم نویسنده، نطق خوش خلق و مسلمان کامل اس.

کربلایی: اول ایکه برمبنای روایات تاریخ اسلام و تائید علمای دین، (به استناد فشردهء مصاحبه آقایون طارق نبی استاد دانشکده شرعیات دانشگاه هرات و مولوی عارف عضو شورای علمای ولایت کندهار با رادیو دویچه ویله آلمان که بتاریخ 6 نوامبر در سایت آریایی انتشاریافته) سلمان فارس یکی از اصحاب پیامبر به تشویق آن حضرت (ص)، برخی آیات قرآن شریفه به فارسی ترجمه نموده و به همزبانانش به فارس فرستاده بود که اجر دانسته شده، همچنان ترجمه قرآن هیچگاهی بدون متن اصلی آن تخطی از احکام دین بحساب نمیره وای یک عمل غیر اسلامی نبوده و ترجمه قرآن کریم به هر زبانی که باشه مجاز اس و اگه اشتباهاتی ده ترجمه باشه با بررسی دقیق با مترجم ده میان گذاشه شوه و قناعت طرفین حاصل شوه!

دوم؛ ده ای مورد بازی نهادها و برخی رسانه های مغرض هم نقش منفی و تحریک آمیزه بازی کدن و از فضای متشنجی که قبلن با لوی سارنوال داشتن و غوث زلمی سخنگوی او بود، سنو استفاده کده و با مصاحبه های عجولانه به جمع آوری آرای عامه حتا از افراد فاقد سواد عادی شروع نمودن که چنین کسان حتا به مانای "تحریف"، "حذف" و "تأویل" و غیره نمی فامیدن و فقط فریاد میکشیدن که غوث زلمی باید مجازات شوه، زندانی شوه و غیره، ده حالیکه هیچکدام از محتویات کتاب آگاهی نداشتن و هریک به اساس افواهات میگوین و گوین استوار بود، هیچ کس نگفت که دیدم، خاندم و خود دریافتم، ده حقیقت "یک زاغه چهل زاغ" ساختن تا ایکه همهء ای تحریکات آقای غوث زلمیه تحت فشارهای شدید روانی و روحی قرار داد و فرارره بر قرار ترجیع داد که بتاریخ 4 نوامبر 2007 دستگیر و زندانی شد، ده اصل خود آغای غوث زلمی ده او سطحی نیس که صلاحیت ترجمه یا تحریف و حذف و تأویل قرآن کریمه داشته باشه او صرف از روی تفنن ای کاره کده و خاسته که ثواب کنه، ده ای صورت نباید با او جدی گرفته شوه، بهتر اس بریش توصیه شوه که ای کارای جنجال برانگیزه ده آینده نه کنه! (درتهیه برخی معلومات این پاراگراف مناظره از فشرده مقاله آقای قاری عتیق ساکت که پیرامون غوث زلمی در سایت گفتمان نوشته اند استفاده شده است)

سوم ایکه؛ ای ملا های نوکر انگلیس می فامن که ده قرآن شریف بازی (بعضی) آیاتی اس که اگه کل مردم مانای شه بفامه شک بر میشن، مثلن ده آیه 34 سورهء لقمان گفته شده که وقت باریدن باران، جنسیت طفل ده شکم مادر ره (مادر را)، بجزء الله پاک دگه کس نمی فامه، حالانکه حال علم بسیا پیشرفته، هم وقت باران و هم جنس طفله که بچه اس یا دختر ده شکم مادر پیش از تولده مردم می فامه، ای یکی ودگه ای که قرآن شریفه گرفتن و تفسیر کدن، یانی نعوذبالله از طرف خدا گفتن که مقصد اصلی ایطو اس که ما میگیم، بازام بریت

مثال میتم:

ده قرآن پاک ده سوره چارم (معاهده) آیه 6 گفته شده: "یا ایها الذین آمنوا و اذا قمتم الی الصلاه فاعسلو اوجوهکم و ایدیه کم الی المرافق.. یانی بشوید روی های خوده و دستای خوده

تا آرنجها .. وَالْمَسْحُوا بِرُؤُوسِكُمْ وَأَرْجُلِكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ ط . یانی مسح کنید سرهای خود را و پاهای خود را تا بجلک ها. که مفسرین میگن مطلب خدا صایب مسح پای نیس، شستن پای اس، یانی که از طرف خدا گپ میزنن که ای حقه ندارن و بیدل صایب میگه:

بیدل آن قرآن که ما درس حضورش خوانده ایم متن آیاتش تحیر دارد و تفسیر شرم

و بیدل صایب ده ای شعر خود از آیه 64 سوره آل عمران الهام گرفته ، که مانای ای آیه ره از کتاب (ارتداد در اسلام – تألیف عیسی ولایی) از صفحه 14 بریت میگم:
" بگو ای اهل کتاب بیائید بر سر سخنی که بین ما و شما یکسان است، بایستیم که جز خداوند را بپرستیم و برای او هیچ گونه شریکی نیاوریم و هیچ کس، دیگری را بجای خداوند به خدایی برنگیرید" اینه همی مفسرین به جای خداوند که صریحاً مخالف آیه بالاس استاده میشن و از طرف خدا گپ می زنن، نظر به همی آیه اینا مشرک هستن و کسای که ایناره تقویه میکنه مشرک تر از یا استن، فامیدی کاکه جان!
چند مثال دگام بریت میتم باز میریم جماعت خانه.

کاکه تیغون: کربلایی جان مثالی ته گوش میکنم، مگر مه ده مورد، آغای بشرمل که با چار رفیق خود ده کابل داوت شده و تکت دوطرفام بری شان گرفته شده و ده هتل پنج ستارام (سابق هتل کابل) بری شان جای داده شده، بسیا سوال دارم، باز جواب ای سواله چه وخت میتی؟

کربلایی: کاکه جان ای سوالات جواب میتم، مگر دگه روز، حال بشنو مثالی دگه ره ده مورد قرآن دری بدون عربی که آغای غوث زلمی تکثیر و پخش کده و قاری مشتاق هم اوره تأنید کده و بمی خاطر بری ازیا جنجال پیش شده.

پیش از مثالا (مثالها) باید بگویم که همی کار وظیفه شورا نبود، ای وظیفه خود سارنوالی یا وظیفه ستره محکمه بود، اما ده اوغانستان حال هرکس خصوصن شورا به عوض قانون سازی، ده کارای دیگرا مداخله میکنن و هیچ مقامی هم نیس که بری شان بگویه به شما چی غرض اس، چون گد ودی تا حد آخر رسیده، هرکس هر چه خاست همطو میکنه، خیر میایم
سر مثالا:

ده قرآن پاک گفته شده (آیه 65 سوره بقره) مانای آیه (و شما بخوبی آگاهی دارید که شما احترام روز شنبه را نگه نداشتید، به آنها گفتیم، بوزینه شوید! بد بخت و بیچاره گردیده و از در گاه مادور شوید)

آیه های 163 تا 166 سوره اعراف:

(ای پیامبر، از قوم بنی اسرائیل در باره شهری که در ساحل دریا بود، پرسش کن؟ از آنها بپرس که چرا در روز شنبه مرتکب گناه شدند؟ بدین شرح که آنها روز شنبه، هنگامیکه در کنار ساحل بودند، ماهی ها نزد آنها آمدند و سرشان را از آب دریا در آوردند } تا آنها را وسوسه کند که شکارشان نمایند }، در حالیکه ماهی ها در روزهای غیر شنبه دست به این کار نمی زدند، ما نیز آنها را برای انجام این کار اغوا کردیم، زیرا آنها گناه پیشه بودند، چون پند و موعظه آموزشگاران در آنها اثری نکرد، برخی از افراد آن گروه گفتند: چرا شما قومی را که از جانب الله محکوم به مجازات های سخت و نابودی هستند، موعظه میکنید؟ آموزش گران پاسخ دادند " برای اینکه وظیفه خود را در برابر الله آنها به فرجام برسانیم و شاید آنها خداترس شوند" و چون آنها به پندهای آموزشگران گوش ندادند، ما هم افرادی را که آموزشگر بودند نجات دادیم ولی آنها را که ستم کار بودند، به بدترین عذاب ها مجازات کردیم، هنگامیکه آنها با تکبر و گستاخی مرتکب اعمال نکوهیده شدند به آنها گفتیم به شکل بوزینه در آیند، ای بد بختهای از بخشایش در مانده..)

اینالی مردم که ای رقم آیه تا ره بخوانن شک بر میشن، که حالی چرا کسای که ده روز شنبه ماهی میگیره یا دگه کارا میکنه شادی (بوزینه) نمیشن و باز بوزینه شدن ده یک روزه چطو ممکن اس، خو اگه چند ملیون سال تیر شوه وسر چپه گپ داروین که بوزینه آدم شد، آدم بوزینه شوه یک کاری، ولی دغه تن (دفعتاً) ناممکن اس، همی رقم آیه های 9 تا 25 سوره کهف مانای خلصش ایس که (آنهائیکه بین 300 تا 309 سال در غار بخواب رفتند، وسر انجام آنها از خواب بیدار شدند ودر همان سن جوانی که وارد غار شده بودند، آنرا ترک کردند)

ازی رقم آیه ها که مردمه وسواسی می سازه وشک ده دلشان می اندازه زیات اس! بیا بریم کاکه جان جماعت خانه و باز دگه روز بخیر دگه سوالاتی ته جواب میگم.
کاکه تیغون: خی کربلایی جان، ده همی آخر یک فکایام بگو، اینه تا وختا مه کالای بیرون رفتن خوده میپوشم .

کربلایی: کاکه جان تو آدمه ده نوک ناوه گیر می کنی، گوش کو:
همو مردکه، که یک روز زن خوده گفته بود: گپای احمقانه نزن وزن بریش گفته بود، مه قسمی گپ میزنم که تو بفامی، منتظر انتقام از زن خود بود، زنش گفت : تو زن مقبوله خوش داری یا هوشیاره؟ مردکه زوتیکده گفت: هیچکدامه نی، توره خوش دارم، یاتی لوده بد رنگه.

هردو رفیق میخندند و به عزم جماعت خانه از خانه بیرون میشوند.

بخشهای دیگر انشاالله در هفته های آینده.